

## آفریقا

### از چنگال استعمار رهایی می یابد

قاره آفریقا با وسعتی بیش از سی میلیون کیلومتر مربع (بیش از یک پنجم کره زمین که ۱۶۵ میلیون کیلومتر مربع است) و جمعیتی در حدود سیصد و بیست میلیون نفر (بیش از یک دهم جمعیت جهان) و داشتن انواع معادن و منابع اقتصادی، هنوز استقلال و آزادی واقعی خود را باز نیافته و از چنگال استعمار خلاص نشده است !

مردم این منطقه؛ با آنکه روی عظیمترین منابع طبیعی از قبیل: نفت الماس، اورانیوم، طلا، نقره، مس، آهن، کرم، سرب؛ قلع، روی، منگنز، کبالت؛ ذغال سنگ، فسفات آلومینیوم، کوگرد، پتاس، احجار قیمتی و... زندگی میکنند و دارای عالیترین محصولات کشاورزی مانند: پنبه، نیشکر، نارگیل، قهوه، زیتون، مرکبات، کتان، کائوچو، کاکائو، گندم، جو، برنج، خرما، چوب؛ موز، کف، توتون، تنباکو، ادویه، میوه حنا، صمغ، دانه های نباتی و... هستند، در عین حال از لوازم اولیه زندگی محرومند و میلیونها نفر در سال از گرسنگی و نداشتن وسائل بهداشتی و درمانی میمیرند (۱) و در اکثر نقاط آن بیسوادی محض حکمفرما است و این بیسوادی گاه تا ۹۹ در

(۱) باتوجه به اینکه از ۶۰ میلیون نفری که سالانه در جهان میمیرند ۳۰ الی ۴۰ میلیون آنها در اثر کم غذایی و تغذیه ناقص میمیرند و این بدبختی از همه جای بیشتر در آفریقا وجود دارد، در آنسورت معلوم خواهد شد که تمبیر ما به ۵ میلیون نفر در سال از گرسنگی در آفریقا میمیرند اغراق آمیز نخواهد بود (مسائل کشورهای آسیائی و آفریقائی ص ۱۲۲)

صدساکنان این منطقه را شامل است ! (۱)

واقماً درد آوراست وقتی که میخوانیم : کارگران این منطقه مانند غلامان ادوارپشین، به کار اجباری گماشته میشوند و چنانچه در کار خود تنبلی کنند و یا آنرا خوب انجام ندهند «مچ دست» آنها بریده و تحویل کمپانی داده میشود ! (۲)

گویا مردم این قاره کفاره سیاهی پوست و غنی بودن سرزمینشان را از رهگذر استعمار و بهره دهی به دیگران باید بپردازند، و چپاولگران بین المللی حق دارند از سرزمین و دسترنج آنان دارای همه چیز بشوند اما آنان محکوم به بردگی و مرگند و دیگر هیچ !!!

گرچه بعد از جنگ جهانی دوم بیش از چهل کشور آفریقائی استقلال یافته است و اکنون از مجموع ۶۳ منطقه مستقل و مستعمره آفریقائی ۴۳ کشور مستقل است و بقیه نیز برای رهایی از چنگال استعمار تلاش میکنند اما آنها که آزادی یافته اند این آزادی برای آنها ارزان تمام نشده گاهی مانند الجزایر یک میلیون نفر کشته داده و آزاد یخواهان تحمل شکنجه های غیر انسانی نموده اند و آنها که در حال تلاش برای آزادی هستند ؛ از شکنجه های که می بینند اطلاعات درستی نداریم ولی از حوادثیکه در «آنکولا، موزامبیک ، کنگو ، رودزیا ، اوگاندا ، غنا ، نیجریه و . . . گذشته و میگردد ، میتوانیم حدس بزنیم که بر سر آنها چه می آید (۳)

\* \* \*

### اسلام آئین رهایی بخش

نه تنها در قرون اخیر و در عصر ما قاره آفریقا مورد طمع استعمار گرانی چون : انگلیس ، فرانسه ؛ آمریکا ، پرتغال هلند ، اسپانیا ، بلژیک ، اسرائیل و . . . بوده منابع طبیعی آنرا غارت میکنند و از ساکنان این منطقه همانند بردگان دوران پیش ؛ بهره برداری مینمایند، بلکه در اعصار پیش از اسلام ، نیز مورد تجاوز فینقیها ؛ ویزیکوتها ، واندالها ، رومیها و اسپانیولها بوده هر کدام به نوبت خود بر آن اسب تازی نموده اند .

آفریقای شمالی (شامل مصر ، لیبی ؛ تونس ، الجزائر ، مراکش و . . .) بعد از چند

(۱) جغرافیای کامل جهان ص ۲۱۴

(۲) استعمار جدید ص ۲ (۳) برای آنکه بدانید استعمار با مردم این منطقه چه کرده و چه میکند به کتابهای میراث خوار استعمار - استعمار جدید - الجزائر و مردان مجاهد - ناسیونالیسم و مبارزات ضد استعماری کشورهای آفریقای شرقی - مسائل کشورهای آسیائی و آفریقائی - مراجعه فرمائید .

قرن که جز و حکومت رومیان بود به تصرف و اندالها درآمد و از سال ۴۲۹ میلادی تا ۵۴۵ تحت تسلط و اندالهای اسپانیول اداره میشد .

«ژوستینیان» سپاهیان بی فرماندهی «بلیرز» سردار خود به جنک و اندالها فرستاد و آنها را از آن سرزمین راند و آن کشور را به تصرف خود در آورد ، مدتی بعد ویزیکوتها به آن حمله کردند .

و بالاخره در اثر حملات خارجی و یورشهای پی در پی و مجادلات و جنگهای مذهبی اوضاع این منطقه به کلی درهم و برهم شد و شهرهای آبادی مانند «کارتاژ» که در زمانی دارای ۷۰۰۰۰۰ نفر جمعیت بود و بر قسمتی از آفریقا و اسپانیا تسلط داشت ، و ازمهمترین شهرهای بازرگانی به شمار میرفت به کلی ویران گردید !

گرچه در آفریقه (تونس و طرابلس) نیز همانند مصر آئین مسیحیت رواج پیدا کرده بود اما برای اینکار ، نهرهای خون جاری شده بود و آنها که بر دین خود باقیمانده و از کشت و کشتار مسیحیت جان سلامت بدر برده بودند ، خدایان «قرطاجنه» (یکی از شهرهای قدیمی اسپانیا) را پرستش میکردند و اطفال خود را برای «زحل» قربانی مینمودند (۱)

آفریقا در چنین وضعی بود که اسلام به این منطقه راه یافت و مورد استقبال مردم قرار گرفت . خوبست حقیقت را در این زمینه از نهر و بشنویم او در این باره مینویسد : . . . مذهبی که او (محمد) مردم را بدان میخواند به خاطر سادگی و سراحتش و به خاطر رنگ دموکراسی و برابری که با خود داشت، توده های مردم را در کشورهای همسایه جلب میکرد زیرا آنها روزگاری در اذرتحت تسلط قدرت مطلقه پادشاهان خود کامه و روحانیان و پیشوایان مذهبی مستبد به سر میبردند ، آنها از نظام قدیمی فرسوده شده بودند و برای يك تغییر وضع آمادگی داشتند ؛ اسلام این تغییر را به ایشان عرضه میداشت و از طرف ایشان هم استقبال میشد زیرا از بسیاری جهت و ضمنان را بهتری ساخت و بسیاری از مفاسد قدیمی را پایان میداد . . . به این جهات بود که مسلمانان از يك پیروزی به پیروزی دیگر نائل میشدند و اغلب بدون جنک و مقاومت پیروز میگشتند .

مسلمین در ظرف بیست و پنج سال پس از رحلت پیامبر اکرم تمامی ایران و سوریه و ارمنستان و قسمتی از آسیای مرکزی را از یکسو و مصر و قسمتیهائی از شمال آفریقا را از سوی دیگر فتح کردند . . .

(۱) تمدن اسلام و عرب ص ۳۰۲ - ۳۱۶ - دائرة المعارف حسن عمید ذیل کلمه

مسلمانان چه در شرق و چه در غرب پیش می‌رفتند ، در شرق ، شهرهای هرات و کابل و بلخ در برابر ایشان سقوط کرد و آنها به ایالت‌سند و سواحل رود سند در هند رسیدند . . . در غرب مسلمانان همچنان پیش راندند تا جائیکه نقل می‌کنند : سردار معروف عرب «عقبه» در سراسر آفریقا پیش رفت تا به اقیانوس اطلس و سواحل غربی آفریقای شمالی رسید که امروز بنام «مراکش» معروف است در آنجا از اینکه بدریا رسیده است متأسف شد . . . (۱)

گرچه همه نواحی آفریقا نتوانست رسماً از تعلیمات اسلام بهره مند شود اما کم و بیش وسیله افراد بازرگان و غیره این آئین در نقاط دیگر راه یافت و بسیاری از مردم به آن گرایش پیدا کردند تا جائیکه اکنون یکی از آئین‌هایی که در نواحی مختلف آفریقا پیروان زیادی دارد ، اسلام است .

تأمدتها اسلام در آفریقا حکومت کرد و فرهنگ و تمدن درخشانی در آن، به وجود آورد و دانشمندی چون ابن‌خلدون تربیت کرد و شهر «فاس» در برابر قاهره و بغداد مرکز علم و دانش شمرده شد، آنگاه عواملی که بعداً شرح داده خواهد شد سبب گردید، جهان اسلام تجزیه گردد و دست‌استعمار در همه نواحی آن مخصوصاً آفریقا باز شود و پیش‌آیند آنچه را که نباید پیش بیاید ! ! .

\* \* \*

### تاریخ تکرار میشود

همان‌طور که اسلام در سده اول (۲) به جهت خاصیت ضد استعماری خود مردم آفریقا را بخود جذب کرد و آنان را از زیر بار استعمار روم، و اندالها، و یزیدگوتها و . . . نجات بخشید، در عصر ما نیز یکی از عوامل مؤثر رشد افکار آزادیخواهی و ایجاد نهضت‌های ناسیونالیستی در آفریقا و پیوستن آن به کشورهای اسلامی (همانند قطع رابطه پنج کشور آفریقائی با اسرائیل در این روزها و بیرون کردن ۳۶ کشتی در نیجریه بعد از واقعه بیافرا) به شمار میرود . نویسنده کتاب «ناسیونالیسم» در فصل دهم این کتاب تحت عنوان «رشد افکار آزادیخواهی و عوامل مؤثر در ایجاد نهضت‌های ناسیونالیستی آفریقای شرقی» چنین مینویسد : «دین اسلام ، طی ۹۰۰ سال گذشته که در آفریقا رواج داشت ؛ ثابت کرد که برای مردم آفریقائی مناسبتر از مسیحیت میباشد . دین اسلام برای مردم آفریقا داعیه همفکری و آزادی و استقلال داشت ولی

(۱) نگاهی بتاریخ جهان ج ۱ ص ۳۲۴

(۲) اطلس تاریخ اسلامی ص ۶ - فتوح البلدان بلاذری ص ۲۳۳

مردم آفریقا متوجه شده بودند که دین مسیح در باطن از استعمار پشتیبانی میکند . . بهمین علل بود که استعمار ، پیشرفت اسلام را در آفریقا تسریع نمود و بسیاری از مردم آفریقا دین اسلام را بر دین مسیح برتری دادند و تعلیمات مذهبی اسلام را زودتر قبول نمودند و اسلام سریعتر و بهتر توانست در افکار عمومی رخنه و نفوذ نماید . . .

پیشرفت اسلام در این منطقه به قدری چشمگیر بود که «بیلی گراهام» یکی از مبلغین مشهور دین مسیح که از آفریقا دیدن کرده است میگوید : «من در آفریقا با گروه کثیری از مردم بومی ملاقات نمودم و همه آنها معتقد بودند که اسلام باید بر سراسر قاره آفریقا سایه افکند» و مسیونهای مذهبی کاتولیک در اوگاندا و تانگانیکا معتقد بودند که اسلام را باید یک خطر جدی تلقی کرد .

در سال ۱۹۶۱ هنگامیکه مطبوعات ، اوضاع کنگو را مورد تفسیر قرار داده بودند نوشتند : «هیئهای اعزامی مذهبی مسیح که ظاهراً به منظور تبلیغ دین و توسعه تمدن به آفریقا آمدند در واقع راه را برای ورود استعمار هموار نمودند آنچنان استعماری که هیچ چیز به آفریقا نیاورد و همه چیز آفریقا را نیز گرفت»

یکی دیگر از مطبوعات نیز در این مورد نوشت : «هنگامی که استعمار به آفریقا آمد اودارای انجیل و آفریقائیان دارای زمین بودند ولی اکنون استعمار انجیل خود را به آفریقائیان داده زمین آنها را گرفته است!»

نویسنده کتاب در پایان این فصل چنین نتیجه گیری میکند «ملل عرب و دین اسلام باعث شد که اعراب و آفریقائیان بومی قاره از کوه سینا (در مصر) تا اقیانوس اطلس بهم پیوسته متحد شوند و این اتحاد و پیوستگی موجب گسترش تمدن و فرهنگ اسلامی ، بیداری افکار آفریقائیان و توسعه نهضت‌های ناسیونالیستی آفریقا گردید و این عمل در تسریع کسب آزادی و استقلال کشورهای مستعمره ؛ نقش بسیار مهمی را ایفا نموده است» (۱) اینست که می گوئیم: تاریخ تکرار می شود و به امید آن روزی که همه آفریقا و کشورهای استعمارزده از چنگال استعمار خلاصی یابند .

(۱) ناسیونالیسم و مبارزات ضد استعماری کشورهای آفریقای شرقی ص ۲۳۶